چین و برنامه کوچک کردن دولت (مجله اکونومیست)

به‏رغم سرعت چشمگیر تحولات چین،رهبران این‏ کشور اصرار دارند که آنها پیرو سیاست گام‏به‏گام‏ هستند.اینان چنین استدلال می‏کنند:درحالی‏که‏"شوک‏ درمانی‏"اقتصادی در اروپای شرقی موجب پیدایش رکود شدید و سختی شده است،ولی چین بدون نیاز به‏ برنامه‏های اساسی خصوصی‏سازی و حمله به تورم‏ توانسته به رشد دو رقمی دست پیدا کند.

استراتژی چین بر این اساس استوار بوده است که به جای‏ تعطیل کردن یا فروختن واحدهای دولتی‏"ضررده‏"مانند اروپای شرقی،به بخش خصوصی اجازه داده است تا با فعالیت خود سهم دولت را از اقتصاد کاهش دهد.رهبران‏ چین،که در استفاده جدید از نظریه‏های کمونیستی مهارت‏ دارند،شکل تازه‏ای از نظریه انگلز در خصوص‏"کاهش‏ قدرت دولت‏"را نشان داده‏اند.درحالی‏که انگلز پیدایش‏ نهایی یک مدینه فاضله آنارشیستی را در ذهن مجسم‏ می‏کرد،تضعیف دولت در چین به مفهوم هموار کردن راه‏ سرمایه‏داری است.

به نظر می‏رسد که این استراتژی در مقاطع مهمی کارساز بوده است.در سال 1978 که اصلاحات اقتصادی آغاز شد، واحدهای دولتی 78 درصد از تولید صنعتی چین را در اختیار داشتند،ولی این رقم در سال گذشته به 43 درصد سقوط کرد.شگفت اینجاست که این تحول بدون ورشکستگی‏ گسترده پدیدار شده است.البته،سوبسیدهایی که به‏ بخش دولتی داده می‏شود هنوز چشمگیر و ثابت است،ولی‏ رشد سریع اقتصادی موجب شد تا خسارت ناشی از واحدهای دولتی به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی‏ کاهش یابد(به نمودار توجه کنید)گفتنی است که این‏ سوبسیدها مانع از رشد بخش خصوصی نشده است.از سال 1978،میانگین نرخ رشد واقعی سالانه چین نزدیک‏ به 10 درصد بوده است.

گذشته از اینها،اگرچه عقیده بر اینست که حداقل نیمی‏ از واحدهای دولتی ضررساز هستند.ولی تمام آنها را نمی‏توان جزو غولهای بی‏استفاده به‏شمار آورد.به نظر می‏رسد که فضای رقابت‏آمیز جدید موجب بهبود عملکرد بسیاری از شرکتها شده است.بین سالهای 90-1985 میانگین صادرات کارخانه‏های دولتی سالانه 20 درصد افزایش داشته است که البته به‏اندازهء بخش خصوصی‏ نبوده ولی قابل توجه است.در این میان،صدها شرکت‏ دولتی سهام خود را به سرمایه‏گذاران خصوصی واگذار کردند،و حتی چهار شرکت به بازار بورس نیویورک راه یافتند.

ولی به‏رغم موفقیت آشکار استراتژی گام‏به‏گام چین، بسیاری از اقتصاددانان استدلال می‏کنند که سیستم‏ واحدهای دولتی این کشور هنوز به اصلاحات اساسی نیاز دارد.هاری برادمن،نویسندهء گزارش اخیر بانک جهانی‏ در مورد بخش دولتی چین،تاکید می‏کند که‏"مسئله‏ واحدهای دولتی این کشور به‏آسانی از بین نمی‏رود". و می‏افزاید که وضعیت کنونی پایدار نیست.

زیانهای وارده به اقتصاد از سوی واحدهای دولتی چین‏ به میلیارد دلار مسئله اینست که واحدهای دولتی چین همچنان بخش‏ عظیمی از منابع این کشور را می‏بلعند.در حدود 70 درصد از کارگران صنعتی چینی هنوز در خدمت دولت هستند.در واقع،تعداد افرادی که از سال 1985 توسط دولت استخدام‏ شده‏اند تا 20 درصد افزایش داشته است.البته این تنها دلیل افزایش نیاز صنایع دولتی نیست.براساس گزارش‏ بانک جهانی،در سال 1993 تقریبا 70 درصد از سرمایه‏گذاری صنعتی مربوط به شرکتهای دولتی بوده‏ است که این رقم نسبت به 4 سال پیش 9 درصد افزایش‏ نشان می‏دهد.

درحالی‏که شرکتهای دولتی بودجهء عمومی را می‏بلعند، شرکتهای خصوصی به زحمت می‏توانند اعتبار دریافت‏ کنند.احتمالا سوبسیدی که به این شرکتهای دولتی داده‏ می‏شود عامل اصلی افزایش تورم است که در سال گذشته‏ به 27 درصد رسید.تلاش برای محدود کردن بودجهء عمومی و قطع سوبسید شرکتهای دولتی به این معنی است‏ که بدهیهای پرداخت نشده در سرتاسر کشور انباشته‏ می‏شود و درنتیجه به صنایع خصوصی آسیب وارد می‏کند.

این مشکلات بسیاری از افراد را متقاعد کرد که اصلاح‏ واحدهای دولتی بسیار ضرورت دارد.یک اقتصاددان غربی‏ استدلال می‏کند که بدون انجام اصلاحات جدی،بعید است‏ سهم بخش دولتی از تولید چین کاهش بیشتری پیدا کند. برخی اوقات چنین به نظر می‏رسد که دولت چین با این‏ اصلاحات موافق است.مثلا در سال 1993،دولت این‏ کشور یک طرح پنجاه ماده‏ای را منتشر کرد که در آن راجع به‏ شکلهای جدید مالکیت و اصلاح سیستمهای پولی،حقوقی‏ و تامین اجتماعی صحبت شده بود،که اگر مسئله واحدهای‏ دولتی حل شود،تمام این اصلاحات ضرورت پیدا می‏کند. بانک جهانی این اقدام را"بلندپروازانه‏ترین طرح اصلاح‏ اقتصادی چین‏"می‏داند که از زمان آغاز اصلاحات یعنی‏ 1978 صورت می‏گیرد.

با این حال سرعت دولت در انجام این اصلاحات بسیار آهسته است،بویژه اینکه تمایلی ندارد با بیکاری فراگیر روبرو شود.البته،این عدم تمایل کاملا قابل درک است، زیرا بیش‏از یکصد میلیون نفر در استخدام شرکتهای دولتی‏ هستند و احتمالا یک‏چهارم از جمعیت کشور نیز به همین افراد وابسته‏اند.این کارگران نه‏تنها حقوق دریافت‏ می‏کنند بلکه از مزایای درمانی و مسکن نیز استفاده‏ می‏کنند.بااین‏حال،اگر قرار باشد نیروی کار شرکتهای‏ دولتی براساس مقررات جدید و خارج از کانال سوبسیدها فعالیت کند،احتمالا 30 تا 40 درصد از آنها بیکار خواهند شد. حتی طرفداران سرسخت اصلاحات اعتراف می‏کنند تا زمانی‏که برای جایگزین کردن مستمری،مسکن و خدمات درمانی اقداماتی صورت نگیرد،ممکن است‏ ورشکستگیهای گسترده‏ای بوجود بیاید.

به‏طورکلی،انجام این کارها بسیار دشوار و ناامید کننده‏ است.ولی تا این اواخر،به نظر می‏رسید که دولت چین از مسیری که در آن گام نهاده مطمئن است.احتمالا این‏ اطمینان نیز به خاطر بلاتکلیفیهای سیاسی اکنون تغییر کرده است در آخرین اجلاس کنگره حزب کمونیست،که در ماه مارس برگزار شد،رهبران حزب از"تجدید حیات‏بخش‏ دولتی‏"صحبت می‏کردند.دراین مورد یک اقتصاددان‏ غربی می‏گوید:من این عبارت را به مفهوم‏"بازسازی‏" بخش دولتی تعبیر می‏کردم،اکنون از این نگرانم که مفهوم‏ واقعی آن‏"تقویت‏"بخش دولتی باشد.